

نفوذ ادبی ایران بر آسیا

بقلم آقای رحیم زاده صفوی

۲

(بقیه از شماره ۱)

در مقاله گذشته باین نکته اشاره شد که در باره کیفیت نفوذ ادبی ایران در اقطار مختلف آسیا نمیتوان يك حکم یکنواخت پیدا کرد و نمیشود گفت که فی المثل نفوذ مزبور از فلان قرن قبل از اسلام یا بعد از آن آغاز گشته است و برای نمونه هندوستان را بنظر گرفتیم که در قسمتهای غربی و شمال غربی آن مانند سند و پنجاب و کشمیر آغاز نفوذ ایران را میتوان تا دوره هخامنشی بالا برد و اما در قسمت های مرکزی و شرقی میباید از قرن چهارم و پنجم هجری بائین تر بیابیم.

حال بعد از این مقدمه مختصر وارد مبحث اصلی شده و چگونه پیشرفت زبان و ادبیات ایران را در هر يك از قطر های آسیا جدا گانه و بطور اجمال زیر نظر می آوریم.

نفوذ ادبی ایران در ماوراء آمو و سیری دریا - هر چند تاریخ تصرفات و نفوذ سیاسی ایران در حدود جیحون تا سیحون از اوایل عهد هخامنشی آغاز میگردد و مامیدانیم که در کنار سیحون يك قلعه سنگی بنام کوروش شاهنشاه ایرانیان و تابع آن نواحی مشهور بوده و مورخین اسکندر نیز که داستان تاخت و تاز او را بدان نقاط مینویسند همه جا امراء و فرماندهان بومی حدود مزبور را بانام های ایرانی یاد میکنند و عشایر اینجانب سیحون را تابع ایران می شمارند و نیز مامیدانیم که در عهد اشکانیان چند شهبه از خاندان آرشاها در دشت قبچاق و ماوراءالنهر سلطنت میکردند باوجود اینها راجع بنفوذ ادبی ایران در آن نقاط سند محکمی در دست نداریم و لازم است وفق مطالبات خود را بدوره شهنشاهی ساسانیان محدود سازیم - یکی از عوامل عمده نفوذ ایران در ماوراء آمو و سیری دریا همانا تبلیغات دینی مانی پیغمبر ایرانی است که داستان سفر او بحدود چین و باز گشتش بایران و کشته شدنش در تواریخ مبسوط آمده است ولی در کیفیات رواج دین مانی و عده عظیم پیروانشی چه در شرق اقصی و وسطی و چه در اروپا در تاریخهای عربی و فارسی شرح مکفی داده نشده است و برای نخستین بار

این بنده نویسنده طی یکی دو مقاله در نوبهار هفتگی از روی اسناد اروپائی داستان شیوع مانویت را در اروپا و مقابله آنرا با مسیحیت اجمالاً شرح دادم. سپس آقای طاهرزاده بهزاد اوستاد نقش در کتاب مشهور خود موسوم به (سرآمدان هنر) تحقیقات جامعتری در زندگانی مانی و رواج مانویت مندرج ساختند و اخیراً آقای ملک الشعرای بهار اوستاد ادب ضمن خطابه جامع و سودمندی که در دانشکده معقول و منقول ایراد نمودند بحثی که از حیث مدارک و اسناد در زبان پارسی راجع به مانی بی نظیر بود در کم و کیف ظهور مانی و سفرهای او و آثار و دیانت و بسیاری بیروانش به میان آوردند. خلاصه آنکه بنا بر آنچه تا کنون از تحقیقات و کاوش های استادان اروپائی و تبعات استادان ایرانی کشف شده است تبلیغات مانی و اتباع و بیروانش در شرق وسطی و اقصی يك عامل عمده نشر ادبیات و زبان فارسی بوده و نوشته های مانویان که از حفريات تورفان بدست آمده است ثابت مینماید که پیروان مانی از خط پهلوی يك خط دیگری مخصوص خودشان استخراج کرده اند و نمازها و دعاها و مباحث دینی خود را که غالباً بزبان ایرانی بوده است به آن خط مینوشته اند و ضمن دعاها و مانویان شعر و نثر هر دو پیدا میشود که شاید شعر را باصراحت زمره در آهنگ های موسیقی میخوانده اند و هنگامیکه آقای بهار و اینجانب نزد اوستاد هر تسفله آلمانی در طهران بفرار گرفتن زبان پهلوی مشغول بودیم یکی از روزها که در ناره آثار مانویه سخن میرفت آقای بهار موفق شدند با ابرام و اصراری از اوستاد آلمانی مزبور بکقطعه از اشعار مانویان را بگبرند. در آن موقع استاد آلمانی مزبور در اعطای آثار مانویه که تازه از کشفیات تورفان بدست آمده بود ضنتی داشت و خلاصه آنکه مدتی از آن ایام گذشت تا اینجانب توانستم راجع باحوال و اوضاع مانویت و اسناد زیر خاکی مزبور اطلاعات بیشتری بچسب آورم. وقتی انسان در تاریخ نقوژ مانویت و پیشرفت سریع آن در ترکستان اقصی و میان مردم ایغور و ختامطالع می کند و مقابله دیانت مزبور را بادین بودائی که مدتها قبل از مانویت در آن حدود توسعه یافته بوده است مورد دقت و وادسی قرار میدهد به نکته های لطیفی برخورد میکند که حیف می بیند آنها را ناگفته و نا نوشته در کنج فراموشی بیفکند زیرا بهر حال افکار و تصورات بشری که زائیده رنج تفحص و تتبع باشد هر چند در يك دوره

معین بنابر عللی بدیده يك گروه بی بها و خوار نماید بی گمان در دوره دیگر بدیده گروهی دیگر و بنابر عللی دیگر همان افکار بکار آید و آن تصورات بمرحله تصدیق رسد و هر کدام آنها بمنزله يك مقدمه خواهد بود که نتایجی گرانبها بزاید و خلقی عظیم را به سر منزل مقصود راه نماید.

برای دانستن پیشرفت و توقف نفوذ ادبی ایران در ماوراء سیحون بر ملازم است قبلاً این مسئله را حل کنیم که علت توقف و تباهی دین مانی در آن اقطار بعد از آن نهضت و رواج عظیم که حاصل آمد چه بوده است.

آشنایان تاریخ میدانند که دولت ساسانی هنگام طلوع خود باملتی مواجه شد که پیرو و متابع هفتاد و دو مذهب شده بود و فی الحقیقه این بیت حضرت خواجه شبراز جنک هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند و بسیاری از ضرب المثل ها که در بازه ۷۲ ملت « که در اینجا بمعنای ۷۲ مذهب است » آمده برخلاف تصور بعضی ها اصلاً مربوط به اسلام نیست بلکه متعلق است به عهد اردشیر بابکان که بسیاری از مورخین شرقی و غربی داستان آنرا نوشته اند و از جمله گیبون (Gibbon) در تاریخ خود مربوط به روم شرقی یعنی امپراتوری بیزانس از این احوال توضیحی میدهد و معلوم است که سیاست ملوک الطوائف در عهد اشکانی به تشکیلات مذهبی نیز نفوذ کرده بود و امواج افکار جدید و فلسفه های نوین گوناگون در ایران زمین بیش از همه جاذبه و رونموی داشته زیرا یونانیانی که از ظلم و ستم رومیان دیگر بختند هزاران هزار بعد و دهنشاهی اشکانی پناه آورده برای خود شهرها میساختند و درازاء پرداخت مالیات معین بر قاعه و آزادی و استقلال داخلی میزیستند و تدبیراً افکار منشعب و متشتت یونانی را ظاهر مینمودند. برای متفکرین هندی نیز دروازه های مملکت گشاده بود و ملل متمدن آسیای صغیر و شامات همچنین گروه گروه باین سرزمین پناهی آوردند زیرا جور و ستم اعمال روم در آن ممالک طوری نبود که کسی رایاری تحمل آن باشد (در این خصوص بیانات پلوتارک و دیو دور سیسیلی و حتی خطبه های سیسرون در مجلس سنای روم معلومات مکفی میدهد) از اصطکاک و سایش افکار و تصورات و فلسفه های مختلف همانا تشتت آراء و عقایدی بوجود آمد که در عهد اردشیر بابکان

بهفتاد و دو مذهب بالغ گشته بود و آن شاهنشاه که توحید افکار و عقاید را رکن رکن وحدت ملی و موجب قوام و دوام مملکت تشخیص میداده است چهل هزار تن از پیشوایان عقاید را دعوت کرده تا بطریقی که مشهور است عاقبت از میانه خود هفت تن و آن هفت تن یکتن را بر میگزینند و آن یکتن اصول و مبانی دین رسمی مملکت را معین مینماید آنگاه دولت همگان را به پیروی آن وادار میکند.

از این شرح و وصف بیداست که دولت ساسانی به بقای تشکیلات رسمی آنشکده و جلوگیری از نفوذ هر فکر و عقیده جدیدی که موعوت شدت آراء ملی و تضعیف تشکیلات مزبور گردد تا چه اندازه باید علاقه داشته باشد و همبستگی و هم بود است و این جلوگیری و مخالفت دولت با عقاید جدید وقتی شدت مییافت که علاوه بر زیان داخلی ضررهای خارجی نیز بر آنها مترتب میگشت از آن جمله بود نفوذ افکار و عقاید مربوط به مسیحیت زیرا رواج دین مسیح باعث نفوذ دولت روم و محبوبیت رومیان در قلوب مسیحیان ایرانی میگشت و این فقره حتی استقلال سیاسی ایران را تهدید مینمود و از قوه مقاومت ایرانیان در مقابل دشمنان تاریخی که رومیان باشند البته میکاست. لذا دولت شاهنشاهی ناگزیر با تمام قوا در منع ورود مسیحیت و زجر و طرد مسیحیان و برگرداندن آنان از دین جدیدشان میکوشید و این سیاست تازمانی که دولت شاهنشاهی با دستگیری کشیشان وطن پرست ایرانی به ایجاد مذهب نستوری که دشمن عنود کاتولیک رومی است کامیاب گشت با منتهای خشونت مجری بود و استمرار یافت. حال باید متذکر شویم که دین مانئی نیز که در بجهت مخالفت های ایران و روم به دربار عرضه گشت در نظر ایرانیان يك عقیده نیمه مسیحی یا مسیحیت نقاب زده جلوه مینمود چنانکه از طرفی در نظر رومیان نیز مانویت همان دین زرتشت مینمود که در قالب بیرونی از مسیحیت ریخته شده باشد و خلاصه آنکه دولت ساسانی علاوه بر جنبه علمی و ادبی از لحاظ سیاست نیز با انتشار مانویت جناب مخالف بود و از اینجا میتوانیم مفتاح این راز را بیابیم که چرا در خراسان شرقی و ماوراء حیحون یعنی از بلخ تا فرغانه دولت ایران تشکیلات دین بودائی را با دیده تسامح مینگریست و انتشار آنرا بدرجات بیش از نشر مانویت تحمل مینمود.